

## بررسی و تحلیل نقش و جایگاه شهر تئودوسیوپولیس در روابط ایران و بیزانس در دوره‌ی ساسانی

پرویز حسین طلایی<sup>۱</sup>

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/mbs.2019.17373.1820

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۲۸

(از ص ۱۱۱ تا ۱۲۸)

### چکیده

۱. عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید  
 باهنر کرمان  
 parviztalaei@uk.ac.ir

ارمنستان از جمله سرزمین‌هایی است که در قفقاز قرار گرفته و از زمان تصرف آن در زمان اشکانیان تا پایان دوره‌ی ساسانی باعث بروز تنش‌ها و درگیری‌هایی میان ایران و بیزانس شده است. درگیری‌های پیوسته‌ی دو قدرت باستان بر سر این سرزمین باعث شد که در سال ۳۸۷ م. این سرزمین را میان خود تقسیم کنند. پس از این تقسیم بود که تئودوسیوس اول دستور داد تا شهر مرزی تئودوسیوپولیس را در منطقه‌ی ارمنستان غربی ایجاد کنند. این شهر بر دامنه‌ی کوهی در منطقه‌ی کارین و نزدیک سرچشمه‌های رود فرات ساخته شد. پرسش‌های این پژوهش عبارتند از: ۱. شهر مرزی تئودوسیوپولیس توسط چه کسی تأسیس شده و از چه موقعیت جغرافیایی برخوردار بوده است؟ ۲. علت اهمیت تئودوسیوپولیس در مناسبات ایران و بیزانس چه بوده است؟ مفروض است؛ با توجه به اطلاعات و داده‌هایی که منابع در اختیار ما می‌گذارند، در این رابطه می‌توان گفت که شهر تئودوسیوپولیس در اواخر قرن چهارم میلادی توسط تئودوسیوس اول، در ارمنستان غربی در منطقه‌ای به نام «کارین»، قرار گرفته است. هم‌چنین، مهم‌ترین کارکرد شهر تئودوسیوپولیس که توسط بیزانسی به وجود آمده از لحاظ سیاسی-نظامی بوده است. حال با توجه به این مسائل، این پژوهش در پی آن است تا به موقعیت جغرافیایی این شهر پرداخته و سپس در ادامه به چرایی اهمیت آن در دایره‌ی رقابت‌های ایران و بیزانس بپردازد؛ برای نیل به این هدف تلاش شده است از شیوه‌ی پژوهش‌های تاریخی (توصیفی-تحلیلی) و براساس شواهد موجود و نظریات پژوهشگران، استفاده شود. نتایج این پژوهش بیانگر این است که بیزانسی‌ها با ایجاد استحکامات و حصارهای محکم در شهرهای مرزی از جمله تئودوسیوپولیس در صدد بودند تا بتوانند تا حدودی از پیشرفت سریع سپاه ایران در خاک بیزانس جلوگیری کرده و حتی بتوانند در مواقعی از آن شهرها، سرزمین‌های ساسانیان را مورد تهاجم قرار دهند. ساسانیان نیز با تصرف این شهر می‌توانستند از سویی راحت‌تر سرزمین‌های شرقی امپراتوری بیزانس را مورد حمله خود قرار دهند. وجود و تقویت چندباره‌ی استحکامات در این شهر، نشان از آن داشت که تصرف این شهر به منزله‌ی تسلط و در اختیار داشتن مناطق مرزی مانند آسیای صغیر، و از دست دادن آن به عنوان تغییری عمده در توازن قدرت میان دو امپراتوری به شمار می‌رفت.

**کلیدواژگان:** ارمنستان، شاهنشاهی ساسانی، امپراتوری بیزانس، تئودوسیوس اول، شهر تئودوسیوپولیس.

### مقدمه

کنستانتین اول (۳۳۷ - ۳۰۶ م.) به دلایل مختلفی که مهم‌ترین آن‌ها موقعیت ژئوپلیتیک و سوق‌الجیشی بیزانتیوم برای رویارویی با حکومت ساسانی است، که سیاست تهاجمی را در مرزهای غربی در پیش گرفته بود، پایتخت را از رُم به بیزانتیوم<sup>۱</sup> (که پس از آن به نام وی «کنستانتینوپل» تغییر پیدا کرد) در سال ۳۳۰ م. منتقل کرد. ساسانیان نیز از همان ابتدای روی کار آمدن در قرن سوم میلادی، سیاست خارجی خود را بر گسترش قلمرو خود در غرب متمرکز کرده بودند (Herodian, 6/2/1; Cassius, LXXX, 4/1-2). به همین دلیل مرکز برخورد و تلاقی این دو قدرت در شهرهای واقع در مناطق قفقاز، آسیای صغیر، بین‌النهرین و سوریه قرار گرفت. هرکدام از این شهرها دارای ساخت مستحکمی بودند؛ چراکه آن‌ها معمولاً در نقاطی پدید آمده بودند که از لحاظ طبیعی به وسیله‌ی کوه‌ها یا رودخانه‌ها محصور شده و قابلیت دفاعی در برابر حملات مهاجمان را داشتند؛ جدا از آن، بیزانسی‌ها نیز با صرف هزینه‌های زیاد به ایجاد استحکامات قدرتمند و حصارهایی در شهرهای مرزی، سعی در حفظ سرزمین‌های شرقی امپراتوری در برابر حملات ساسانی را داشتند. شهرهای مرزی که مورد حمله طرفین قرار می‌گرفت؛ هرکدام با توجه به اهمیت و ویژگی‌ای که داشتند، دارای ساخت و کارکردهای گوناگون سیاسی، نظامی، اقتصادی، دینی و ژئوپلیتیک بودند که میل دو دولت را برای تصرف آن‌ها دوچندان می‌کرده است. این عوامل، ادعای مالکیت بر سرزمین‌های یکدیگر و اهمیت شهرهای مرزی میان دو دولت، در کنار هم منجر به درگیری‌های مداومی میان این دو قدرت شد که گستره‌ی این کشمکش‌ها را در تصاحب و رد و بدل شدن شهرهای مرزی در غرب شاهنشاهی ساسانی و شرق امپراتوری بیزانس می‌توان دید.

با توجه به این توضیحات، بایستی اذعان کرد که در دوره‌ی ساسانی برخی از شهرهای مرزی، مانند شهر تئودوسیوپولیس به واسطه‌ی موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک که داشتند، نقش مهمی را در رویارویی‌های ایران و بیزانس ایفا نموده‌اند؛ به عبارت دیگر این شهر در معادلات سیاسی-نظامی میان دو قدرت بزرگ عصر باستان نقش آفرینی کرده است. با توجه به اهمیت موضوع، ابتدا تعریفی از ژئوپلیتیک<sup>۲</sup> و هم‌چنین جایگاه آن در بررسی تحولات تاریخی آورده می‌شود؛ «ژئوپلیتیک» دانشی است که به بررسی نقش عوامل جغرافیایی در سیاست می‌پردازد (عزتی، ۱۳۸۰: ۵). «کلز داد»<sup>۳</sup> ژئوپلیتیک را یک رویکرد می‌داند و در تعریف آن می‌نویسد: «ژئوپلیتیک «رویکرد» ویژه‌ای به سیاست‌های جهانی است که بر اهمیت سرزمین و منابع تأکید دارد» (Dodds & Atkinson, 2000: 162)؛ در واقع ژئوپلیتیک «روش ویژه‌ای» است که پدیده‌های بحرانی را کشف و تحلیل کرده و راهبردهای تهاجمی یا دفاعی را بر سر یک محدوده‌ی ارضی از نظر محیط جغرافیای انسانی و طبیعی تعریف می‌کند (لورو و توال، ۱۳۸۱: ۳۴)؛ بنابراین می‌توان گفت ژئوپلیتیک به عنوان «دانش رقابت و گسترش حوزه‌ی نفوذ» دولت‌ها و گروه‌های متشکل سیاسی در صدد کسب قدرت و تصرف ابزارها و اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند که به آن‌ها قدرت داده و امکان چیره‌شدن بر رقیب را می‌دهد. در واقع آن‌ها برای تصرف فرصت‌ها و مقدرات

در مکان و فضاهای جغرافیایی به رقابت پرداخته و سعی می‌کنند نفوذ خود را در فضاهای جغرافیایی بیشتر توسعه داده و آن‌ها را به قلمرو اعمال اراده‌ی خود بیفزایند و برعکس رقبا را از فضاهای مورد منازعه بیرون برانند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۷).

در این رابطه «راتزل» می‌آورد: کشورها مانند یک موجود زنده، تابع قوانین خاص خود هستند؛ وی سپس ادامه می‌دهد: دولت حاصل تکامل [طبیعی] (ارگانیک) است و اجزای وابسته‌ی آن، شبیه درختی است که اندام فضایی آن در خاک قرار دارد و برای آن‌که این اندام رشد و تکامل یابد، توسعه‌ی ارضی لازم و ضروری می‌نماید (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۰). بر مبنای این دیدگاه، دولت به مثابه موجود زنده‌ای است که برای حیات خود باید فضایی متناسب داشته باشد؛ بر این اساس، در درجه‌ی اول خاک (وسعت) یک کشور بهترین نماینده‌ی قدرت سیاسی و پیشرفت فرهنگی آن است و در درجه‌ی دوم موقعیت جغرافیایی و تأثیر آن در سیاست ممالک اهمیت زیادی دارد (علی‌بابایی، ۱۳۶۹: ۱۹۱)؛ بنابراین طبق دیدگاه اندامواره، مرزهای بین‌المللی نمی‌توانند دائمی باشند، بلکه فقط به‌طور موقت، تعیین‌کننده‌ی اوضاع در برخوردها و درگیری‌های حکومت‌ها محسوب می‌شوند.

چنین دیدگاهی را می‌توان منطبق بر اوضاع ایران و بیزانس در دوره‌ی ساسانی که در این پژوهش به آن پرداخته شده است، دانست؛ چنان‌که در این دوره مرزهای ایران و بیزانس دوره‌ی آشفته‌ای را پشت‌سر می‌گذارند و شهرهای مرزی از جمله تئودوسیوپولیس به‌صورت مداوم میان آن‌ها دست‌به‌دست می‌شود. در واقع، باید اذعان کرد که مطابق با دیدگاه راتزل، امپراتوری‌های ایران و بیزانس ناچار بودند برای حفظ بقای خود و هم‌چنین از دست ندادن شهرهای مرزی که در مناطق ژئوپلیتیک، مانند ارمنستان، آسیای صغیر، بین‌النهرین و سوریه که نقش مهمی در توازن قدرت آن‌ها داشت، به درگیری‌های مداومی با یکدیگر رو آورند؛ چنان‌که با بررسی تحولات تاریخی این دوره، روابط خصمانه‌ی آن‌ها نسبت به روابط مسالمت‌آمیزشان برجسته می‌نماید. به همین دلیل بررسی نقش و جایگاه شهر مرزی تئودوسیوپولیس در روابط ایران و بیزانس می‌تواند برای به‌دست آوردن شناختی دقیق‌تر از مناسبات ایران و بیزانس در دوره‌ی ساسانی سودمند باشد.

**پرسش‌ها و فرضیات پژوهش:** بنابراین این نوشتار با توجه به اهمیت موضوع و ماهیت آن به سراغ این پرسش‌ها که اساس این پژوهش بر آن‌ها استوار است، می‌رود؛ ۱. شهر مرزی تئودوسیوپولیس توسط چه کسی تأسیس شده و از چه موقعیت جغرافیایی برخوردار بوده است؟ ۲. علت اهمیت تئودوسیوپولیس در مناسبات ایران و بیزانس چه بوده است؟

در پاسخ به این پرسش‌ها فرضیه‌های پیش‌رو مطرح می‌شوند؛ فرضیه‌ی اول: با توجه به اطلاعات و داده‌هایی که منابع در اختیار ما می‌گذارند، در این رابطه می‌توان گفت که شهر تئودوسیوپولیس در اواخر قرن چهارم میلادی توسط تئودوسیوس اول به وجود آمده و از لحاظ جغرافیایی در ارمنستان غربی در منطقه‌ای به نام «کارین»، نزدیک سرچشمه‌های رود فرات قرار گرفته است. فرضیه‌ی دوم: ازسویی بایستی اذعان کرد که مهم‌ترین کارکرد شهر تئودوسیوپولیس که توسط بیزانسی به وجود

آمده از لحاظ سیاسی-نظامی بود؛ زیرا در اواخر حیات خود، شهرهای مرزی مانند تئودوسیوپولیس بار اصلی دفاع از امپراتوری را بر دوش می‌کشیدند. از دیگر سوساسانیان نیز با تصرف این شهر می‌توانستند از سویی راحت‌تر سرزمین‌های شرقی امپراتوری بیزانس را مورد حمله خود قرار دهند.

**روش پژوهش:** براساس موضوع، روش و انجام کار تحقیق توصیفی-تحلیلی برپایه‌ی مطالعات کتابخانه‌ای استوار است؛ بدین صورت که ابتدا به گردآوری اطلاعات و داده‌های تاریخی و سپس بعد از دسته‌بندی و تنظیم آن‌ها به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته شده است. در پایان نیز پس از تحلیل داده‌ها و اطلاعات تاریخی، به تدوین پژوهش حاضر انجامیده است. در این پژوهش، سعی بر این شده که از منابع دست اول استفاده شود تا بتوان با کنار هم قرار دادن این منابع در کنار یکدیگر و با استفاده از برهان خلف به بررسی و تحلیل نقش و جایگاه شهر تئودوسیوپولیس در روابط ایران و بیزانس در دوره‌ی ساسانی پرداخته شود. در پژوهش حاضر ابتدا موقعیت جغرافیایی و بنای شهر تئودوسیوپولیس آورده شده و در ادامه به بررسی و تحلیل نقش تئودوسیوپولیس در روابط ایران و بیزانس پرداخته شده است.

### پیشینه‌ی پژوهش

در حوزه‌ی روابط ایران و بیزانس در دوره‌ی ساسانی، پژوهش‌های ارزشمندی به صورت کتاب و مقاله توسط مورخان و محققان تاریخ ایران و بیزانس به رشته‌ی تحریر درآمده است؛ این پژوهش‌ها با توجه به موضوع مورد بررسی، هرکدام دربرگیرنده‌ی بخشی از روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این دو قدرت باستان می‌باشد. در کنار اطلاعاتی که این پژوهش‌ها به دست می‌دهند، به صورت گذرا و آن نیز هنگامی که به سیر وقایع میان دو دولت می‌پردازند به شهرهای مرزی نیز اشاراتی داشته‌اند. در واقع، اطلاعات این پژوهش‌ها در مورد شهر مرزی تئودوسیوپولیس از سویی پراکنده، و از دیگر سو با نگاه غربی به این موضوع نگریسته شده است؛ بنابراین این آثار با وجود داشتن اطلاعات مفید، دربرگیرنده‌ی موضوع این پژوهش به صورت همه‌جانبه نیستند، اگرچه در زمره‌ی منابع مهم به شمار می‌آیند؛ از جمله مهم‌ترین این منابع می‌توان به کتاب‌های مهم پیش‌رو اشاره کرد: شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان<sup>۴</sup> اثر «پیگولوسکایا» (۱۳۶۷)؛ روم و ایران، دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی<sup>۵</sup> اثر «انگلبرت وینتر» و «بئاته دیگناس» (۲۰۰۷)؛ و مرزهای شرقی رُم و جنگ‌های ایران<sup>۶</sup> در دو جلد که توسط «لیو» با همکاری «دوگدون» و «گتتریکس» (۲۰۰۵) به رشته‌ی تحریر درآمده است.

به هر حال به جرأت می‌توان گفت که تاکنون کار مستقل و جامع و مانعی درباره‌ی شهر مرزی تئودوسیوپولیس که به عنوان یکی از کانون درگیری ایران و بیزانس در دوره‌ی ساسانی مطرح شود، صورت نگرفته است؛ بنابراین در این پژوهش، ابتدا به موقعیت جغرافیایی این شهر و سپس به ساخت و بنای آن پرداخته و در ادامه به بررسی و تحلیل نقش و جایگاه شهر تئودوسیوپولیس در روابط ایران و بیزانس در دوره‌ی ساسانی می‌پردازد.

## موقعیت جغرافیایی شهر تئودوسیوپولیس

در مورد موقعیت جغرافیایی و مکان شهر تئودوسیوپولیس، در میان آثار مورخان اختلاف نظری وجود ندارد و تقریباً اکثر آن‌ها شهر یا منطقه‌ی کارین را به عنوان مکان سابق شهر تئودوسیوپولیس بیان می‌کنند و معتقد هستند که این شهر در منطقه‌ی کارین در مکانی که پیش از این، یک روستایی که در یونانی به عنوان «کله آرچه»<sup>۷</sup> نامیده می‌شود (هئوسن، ۲۰۰۳: ۴۲)<sup>۸</sup>، به وجود آمده است.

## تئودوسیوپولیس از دیدگاه مورخان و جغرافیانویسان

منطقه‌ی کارین (محلی که شهر تئودوسیوپولیس در آن واقع شده است) در پایان قرن چهارم میلادی، وضعیت یک قلمرو سلطنتی تحت سلطه‌ی حکومت آرشاکونی (۴۲۸-۵۳ م.) را داشته است؛ چنان‌که در کتاب پاستوس بیزانسی که قدیمی‌ترین منبع مربوطه در قرن پنجم میلادی است و به خوبی از وضعیت این شهر در قرن چهارم مطلع است، درباره‌ی کارین آمده است: «پس از آن مانوئل، سردار و سپاهبد ارمنیان، به همراه بانوی ارشکانی و آرشاک و واغارشاک خردسال، با جمله سپاهیان ارمنی با مهتران بزرگ و ناخارارها رهسپار شد و به شهرستان کارین رسید. همه‌ی سر خدایان نیز با او بودند. مانوئل سپاهبد دخت خویش، وارتان دخت، را به همسری آرشاک ارشکانی خردسال درآورد و او را داماد خویش گرداند. هم‌چنین برای برادر او، واغارشاک، نیز جشن عروسی برپا کرد و دختر آسپت باگراتونی از شهرستان اسپر را به همسری او درآورد. خاندان باگراتونی از دیرباز تاج‌گذاران و تاج‌بانان شاهان ارشکانی بودند. عروسی شکوهمندی برگزار کردند که سراسر خاک ارمن را سخت شادکام ساخت» (بوزنتی، کتاب پنجم، ۴۴)<sup>۹</sup>.

«موسی خورنی»، دیگر مورخ ارمنی نیز در کتاب خود درباره‌ی تأسیس این شهر سخن رانده که در لابلای توصیف وی می‌توان تا حدودی به برداشتی از موقعیت جغرافیایی شهر تئودوسیوپولیس رسید؛ وی پس از ذکر به سلطنت رسیدن پادشاهی آرتاشس پسر ورامشاپوه، می‌نویسد: «سردار آتاتول»<sup>۱۰</sup> با دریافت فرمان دربار به کشورمان آمده، با گشت و گداز از نواحی متعدد برای بنای شهری حاصلخیز، پُرآب و پُرثمر ناحیه‌ی کارین را پسندید و با این حساب که آنجا در مرکز قرار دارد و از جاهایی که چند سرچشمه‌ی فرات آغاز می‌گیرند و با جریان ملایم پیش‌رفته به دریا می‌ریزند و شکل باتلاق به خود می‌گیرند، زیاد دور نیست؛ در اینجا ماهیان بی‌شمار و انواع مختلف پرندگان وجود دارند که رشد می‌کنند و ساکنان تنها با تخم‌های آن‌ها تغذیه می‌نمایند و در کنار باتلاق نیزارهایی مملو از نی قرار دارند. در دشت‌ها علف‌های بلند و گیاهان بذری بسیار می‌رویند. کوه‌ها پُر از نخجیرهای نُشخارکننده و سُم‌شکافته می‌باشد. جانوران شاخدار اهلی بزرگ پیکر و درشت، با بدنی پر و چاق بوفور در اینجا پرورش می‌یابند.

- سپس ادامه می‌دهد: او در دامنه‌ی یک کوه زیبا منظر، محلی یافت که چشمه‌های متعدد کوچک با آبی زلال می‌جوشیدند و در آنجا محل شهر را طرح‌ریزی کرد. با خندقی ژرف آن را محصور نمود و پی حصار را عنیق ساخت و



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی شهر تئودوسیوپولیس (Dignas & Winter, 2007: 70).

برج‌های بسیار بلند بر روی آن بنا کرد که اولی را به گرمی داشت قیصر، "تئودوس" نام نهاد. کمی آن سوتر برج‌های صخره‌مانند شبیه دماغه‌ی کشتی‌ها و گذرگاه‌هایی با گودی فرورفته که به طرف کوه مشرف بودند، بنا نمود. در ناحیه‌ی مشرف دشت شمالی نیز شبیه آن را ساخت. اما در سمت‌های مشرف به شرق و غرب، برج‌های مدور برپا کرد و اما درون شهر بر فراز تپه‌ای انبارهای متعدد بنا نمود و به افتخار آگوستوس "تئودیوس"<sup>۱۲</sup>، "آگوستیون"<sup>۱۳</sup> نامید و از جاهای متعدد از طریق مسیرهای پوشیده و پنهان آب را وارد شهر کرد. شهر را پُر از سلاح و هنگ‌های نگهبانی نمود و "تئودولیس" نامید تا با ذکر نام شهر، نام پادشاه جاودانی شود و اما چشمه‌های جوشان آب گرم را توسط سنگ‌های تراشیده پوشانید (موسی خورنی، کتاب سوم، ۲۷۳-۲۷۲: ۵۹). چنان‌که از شرح موسی خورنی برمی‌آید، شهر تئودوسیوپولیس بر دامنه‌ی کوهی در منطقه‌ی کارین و نزدیک سرچشمه‌های رود فرات ساخته شد.

### بنای شهر تئودوسیوپولیس

هم در منابع و هم در میان پژوهشگران، اجماعی درباره‌ی تأسیس شهر تئودوسیوپولیس وجود ندارد؛ چنان‌که برخی ساخت این شهر را به دوره‌ی تئودوسیوس اول (۳۷۹-۳۹۵ م.) و برخی دیگر تأسیس تئودوسیوپولیس را مربوط به زمان تئودوسیوس دوم (۴۰۸-۴۵۰ م.) می‌دانند. «گارسویان» علت این تشتت را عدم دقت منابع مربوطه می‌داند (گارسویان، ۲۰۰۳: ۶۴)<sup>۱۴</sup>. اما در این رابطه با توجه به اشارات منابع و برهان خلف، چنان‌که در ادامه به آن اشاره شده، می‌توان گفت که این شهر پس از تقسیم ارمنستان در سال ۳۸۷ م. میان ایران و بیزانس در زمان تئودوسیوس اول به وجود آمده است.

مسئله‌ی ارمنستان از زمان اواسط دوره‌ی اشکانی باعث تنش‌هایی میان ایران و رُم شده بود؛ بدین صورت که اقدام اشکانیان پس از تصرف سرزمین ارمنستان در زمان مهرداد دوم (۱۲۴ تا ۸۷ ق.م.)، (بیوار، ۱۳۸۳: ۱۴۲؛ ژاسمن، ۱۳۸۲: ۹۷؛



مشکور، ۱۳۶۷: ۱۷۲)، آغازگر درگیری‌های مداومی میان ایران و رُم بر سر دستیابی این منطقه شد. با روی کار آمدن ساسانیان، آن‌ها وارث مناقشات اشکانیان با رُم بر سر سرزمین ارمنستان شدند؛ تا این‌که نهایتاً در زمان شاپور سوم، پادشاه ساسانی بود که به راه‌حلی در مورد ارمنستان رسیده و تن به تقسیم این سرزمین دادند. بدین‌صورت که تئودوسیوس اول و شاپور سوم بر سر طرح مسئله‌ی تقسیم که در سال ۳۷۷ م. بین شاپور دوم و والنس مطرح شده بود (آمینوس مارسلینوس، ۱۰۲-۱۰۳: ۱۵۳؛ فرای، ۱۳۸۳: ۲۳۸)، در سال ۳۸۷ م. به توافق رسیدند (دیگناس و وینتر، ۲۰۰۷: ۱۸۵)<sup>۱۶</sup>؛ گفتنی‌ست، درگیری‌های داخلی و مداوم پادشاه و اشراف ارمنی در تصمیم این دو دولت بی‌تأثیر نبود، چنان‌که این دوره با پادشاهی پاپ (۳۶۹-۳۷۴ م.) و وازادات (۳۷۴-۳۷۸ م.) مصادف بود که با اقدامات خود در کشور چنددستگی ایجاد کرده بودند (بوزند، ۱۳۸۳: ۲۶۵-۲۷۱؛ بورتیان، ۱۹۹۵: ۶۷؛ بینز، ۱۹۱۰: ۶۲۵-۶۴۱)<sup>۱۷</sup>.

«تومانوف»<sup>۱۸</sup> در این باره می‌نویسد: خود ارمنی‌ها باعث به‌وجود آمدن این دویارگی بودند (تومانوف، ۱۹۶۱: ۵)<sup>۱۹</sup>. طبق توافق سال ۳۸۷ م.، ارمنستان به دو قسمت نامساوی تقسیم شد که در نتیجه‌ی آن سه-چهارم آن به ایران بازگشت؛ بخش شرقی و بزرگ‌تر ارمنستان بهره‌ی ایرانیان، و بخش کوچک‌تر و غربی آن بهره‌ی بیزانس شد (گراسبی، ۱۹۹۷: ۱۸-۲۴؛ تومانوف، ۱۹۶۱: ۵)<sup>۲۰</sup>. بخش رومی از غرب تئودوسیوپولیس (ارزروم فعلی) در شمال و مارتیروپولیس در جنوب، که شامل بخش کوچک‌تر یونانی‌نشین آن می‌شد، امتداد پیدا کرد؛ اما سهم ایرانیان که بر بیشتر ارمنستان دست یافتند، شامل شهرهای آرتاشاست و دوین می‌شد. در هر دو بخش، شاهزادگان اشکانی هم‌چنان به‌عنوان فرمانروایان دست‌نشانده، به حکومت گماشته شدند. آرشاک سوم در بخش رومی و در بخش ایران، خسرو چهارم به سلطنت ارمنستان انتخاب شدند (تومانوف، ۱۹۷۱: ۱۱۶؛ هنزل، ۲۰۰۸: ۷۶؛ بینز، ۱۹۱۰: ۶۴۲-۶۴۳؛ بلوکی، ۱۹۸۷: ۲۲۹-۲۳۰)<sup>۲۱</sup>.

در این تقسیم منطقه‌ی کارین که شهر تئودوسیوپولیس پس از تقسیم در آنجا به‌وجود آمد، به بیزانسی‌ها تعلق گرفت. گارسویان با توجه با تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌های منابع باستانی، به این نتیجه می‌رسد که پس از تقسیم ارمنستان میان ایران و بیزانس در سال ۳۸۷ م. بود که تئودوسیوس اول به فکر ایجاد استحکاماتی در منطقه‌ی کارین افتاد؛ چراکه در نزدیک مرزهای ایران واقع شده بود. پس از ایجاد استحکامات، این مکان به افتخار شخص امپراتور به «تئودوسیوپولیس» نام‌گذاری شد.

این درحالی‌ست که بیشتر محققان مبنا را بر نقل‌قولی از «پروکوپیوس» (پروکوپیوس، کتاب اول، ۱۰. ۱۸-۲۵)<sup>۲۲</sup> گذاشته و آورده‌اند که ساختمان‌سازی (استحکامات) و ایجاد این شهر در اوایل سلطنت تئودوسیوس فرزند آکادیوس، یعنی تئودوسیوس دوم (۴۵۰-۴۰۸ م.)، صورت گرفته است. موسی خورنی نیز زمانی که به توصیف این شهر پرداخته، نوشته است که این شهر توسط «اناتول»<sup>۲۳</sup> سردار تئودوسیوس دوم به‌وسیله‌ی یک فرمان سلطنتی به‌وجود آمده است

(موسی خورنی، کتاب سوم، ۵۹: ۲۷۳-۲۷۲)؛ بنابراین طبق گفته‌ی این منابع (پروکوپوس و موسی خورنی) این شهر در دوره‌ی تئودوسیوس جوان (دوم) ساخته شده است.<sup>۲۴</sup> در زمینه‌ی تأسیس شهر تئودیوسیوپولیس، دیدگاه گارسویان قابل تأمل است؛ چنان‌که وی به این نتیجه رسیده است که قلعه و استحکامات مستقیماً در مرز جدید، هنگامی که پادشاهی آرشاکونی ارمنستان بزرگ تقسیم شد، ساخته شده است و همان‌طور که پروکوپوس نیز اشاره کرده، هدف از ساختن این استحکامات استفاده از آن‌ها به‌عنوان یک دژ محکم در برابر حملاتی که از ایران به قلمرویی که به تازگی به دست آورده بودند، بود؛ بنابراین چنین اقدام احتیاطی که بلافاصله بعد از تقسیم کشور پس از دو نسل رخ داد، منطقی بود (گارسویان، ۲۰۰۳: ۷۴).<sup>۲۵</sup> طبق این دیدگاه، تأسیس این شهر بایستی در زمان تئودوسیوس اول اتفاق افتاده باشد. در نهایت باید گفت که با وجود اسناد و مدارکی که ساخت این شهر را به تئودوسیوس دوم نسبت می‌دهند، هرگونه تجزیه و تحلیل در این باره هم‌چنان باز است (گارسویان، ۲۰۰۳: ۶۸).<sup>۲۶</sup>

تئودوسیوپولیس در زمان اعراب به نام «کالیکالا» شهرت پیدا کرد، در این رابطه آمده است، زمانی که فرمانده این منطقه درگذشت، همسرش کالیهد<sup>۲۷</sup> این شهر را تأسیس کرد و بعداً اعراب به همین خاطر تئودوسیوپولیس را کالیکالا<sup>۲۸</sup> نامیدند. پس از تصرف این منطقه توسط تُرک‌ها (۱۰۴۸-۱۰۴۹ م.)، به علت این‌که ساکنان ارزن<sup>۲۹</sup> به تئودوسیوپولیس مهاجرت کردند، این منطقه به «ارزن» معروف گشت؛ بنابراین چون شهری نزدیک سیرت<sup>۳۰</sup> در آناتولی به نام «ارزن» وجود داشت، این شهر به «ارزن الروم»<sup>۳۱</sup> معروف شد (اوکویوجو و آیدین، ۲۰۱۰: ۳۰).<sup>۳۲</sup>

### نقش و جایگاه شهر تئودوسیوپولیس در روابط ایران و بیزانس

بیزانسی‌ها پس از تقسیم ارمنستان در سال ۳۸۷ م. میان خود و ایران، برای پیش‌برد مرزهایشان به ساخت و تقویت استحکامات در شهرهای مرزی در قسمت ارمنستان غربی پرداختند. تئودوسیوپولیس در قسمت ارمنستان رومی (غربی) نمونه‌ای از این شهرها می‌باشد؛ چراکه در نزدیکی مرزهای ایران واقع شده بود. ساسانیان نیز نسبت به این استحکامات منفعل نبوده و بیشتر اوقات واکنش نشان می‌دادند؛ چرا که تقویت استحکامات در نزدیک مرزهای خود را تهدیدی برای قلمرو خود به حساب می‌آوردند؛ بنابراین، شاهان ساسانی در مواقعی که به تحکیم امور داخلی می‌پرداختند، شهرهای مرزی از جمله شهر تئودوسیوپولیس را مورد حمله قرار می‌دادند. چنان‌که در این رابطه باید اشاره کرد که در سال ۴۲۱ م. اندکی پس از نشستن بهرام بر تخت شاهی، شاید به تحریک موبدان زرتشتی، تعقیب و آزار مسیحیان در امپراتوری ساسانی از سر گرفته شد. بسیاری از مسیحیان به امپراتوری بیزانس گریختند و بهرام خواستار استرداد آنان گردید، اما امپراتور تئودوسیوس دوم حاضر به پس‌دادن گریختگان نشد؛ در نتیجه، میان دو امپراتوری جنگ در گرفت (فرای، ۱۳۸۳: ۲۴۴؛ شیپمان، ۱۳۸۴: ۴۷) و در این درگیری، شهر تئودوسیوپولیس که به تازگی برای دفاع از ارمنستان بیزانس ساخته شده بود، توسط بهرام در سال



۴۲۱ م. مورد حمله قرار گرفت؛ وی آن را بیشتر از سی روز به محاصره‌ی خود در آورد، ولی موفق به تصرف آن نشد. این درحالی است که هنر نظامی بهرام در این دوره برای همه شناخته شده بود. لازم به ذکر است که در این زمان اسقفی مسیحی به نام «اونومیوس»<sup>۳۳</sup> در آنجا می‌زیست. وی در دفاع از آن شهر دقیقه‌ای فروگذار نکرد و مردم شهر را برانگیخت که با قدرت ایمان از شهر خود دفاع کنند و نگذارند کافری بر شهر ایشان مسلط گردد. حتی وی یکی از شاهزادگان ایرانی را که به دین محصورین هتک حرمت کرده بود، را به دست خود به قتل رساند. مرگ این شاهزاده سبب شد که بهرام دست از محاصره‌ی تئودوسیوپولیس کشیده و از تصرف تئودوسیوپولیس صرف نظر کند (راولینسون، ۱۸۸۵: ۳۹۶)<sup>۳۴</sup>.

پس از آن، تئودوسیوپولیس بار دیگر در زمان قباد اول (۴۸۸-۵۳۱ م.) مسئله‌ساز شد؛ چنان‌که وی (با توجه به حمایت هیاطله از وی) که برای پرداخت مرتب باج و خراج سالیانه به هپتالی‌ها متعهد شده بود، نتوانست به منابع مالی لازم دست یابد تا خراج معهود به آن‌ها را پردازد؛ در نتیجه به آناستازیوس (۴۹۱-۵۱۸ م.)، قیصر بیزانس روی آورد و درخواست اقساط معوقه از بیزانس را کرد و برای توجیه این تقاضا به ماده‌ای از قرارداد صلح بین یزدگرد دوم و تئودوسیوس دوم به سال ۴۴۲ م. عطف کرد (شیپمان، ۱۳۸۴: ۵۵). طبق این قرارداد، دولت بیزانس متعهد شده بود که قسمتی از مخارج دفاع معابر کوه‌های قفقاز را در مقابل وحشیان به دولت ایران پردازد (کریستین سن، ۱۳۷۵: ۴۶۵-۴۶۴). امپراتور بیزانس، آناستازیوس با تقاضای قباد مخالفت کرد؛ بنابراین امتناع آناستازیوس<sup>۳۵</sup> بهانه‌ای برای جنگ سال (۵۰۵-۵۰۲ م.) شد، بیزانسی‌ها ابتدا به حمله‌ی سریع قباد واکنش نشان ندادند. این امر شاید تا حدودی به دلیل دغدغه‌ی حمله بلغار و اعراب به سرزمین‌های بیزانسی در همان سال باشد. در هر صورت، سپاه ایران توانست به سرعت تئودوسیوپولیس<sup>۳۶</sup> ارمنستان و مارتیروپولیس<sup>۳۷</sup> و آمد<sup>۳۸</sup> را به تصرف خود درآوردند (لی، ۲۰۰۷: ۵۸)<sup>۳۹</sup>. «یوشع ستون‌نشین» درباره‌ی تصرف تئودوسیوپولیس توسط قباد می‌نویسد: قباد پادشاه ساسانی، پسر پیروز، سپاه ایران را به سوی شمال حرکت داد. قباد با نیروهای هون‌ها که به وی پیوسته بودند وارد مرزهای بیزانس شد و تئودوسیوپولیس در ارمنستان را ظرف چند روز گرفت. فرماندار آنجا کنستانتین بود که علیه بیزانسی‌ها سر به شورش گذاشته بود. به هر صورت، قباد شهر را تخریب و غارت کرده و آنجا را در آتش سوخت؛ علاوه بر آن ساکنان آن را به اسارت گرفت (یوشع ستون‌نشین، ۱۸۸۲: ۴۸)<sup>۴۰</sup>. قباد اول، طی این لشکرکشی غنیمت جنگی و نیز اعتباری قابل توجه کسب کرد (روبین، ۲۰۰۷: ۶۴۲-۶۴۳)<sup>۴۱</sup>.

پس از به وجود آمدن مسائل جدیدی با هیاطله، سرانجام ساسانیان موافقت کردند که در قبال پرداخت مبالغی هنگفت سرزمین‌هایی را که متصرف شده‌اند، باز پس دهند؛ صلحی که متعاقباً در سال ۵۰۶ م. پدید آمد، نزدیک به بیست سال پابرجا ماند. این‌که در سال‌های بعد کار به برخوردهای نظامی نکشید، حاکی از این است که بیزانسی‌ها به فعالیت‌های خطیری دست زده بودند. آناستازیوس اول در ضمن جنگ پیشین به این نتیجه رسیده بود که استحکامات ناکافی آن‌ها، حملات

ساسانیان را تسهیل کرده است (دیگناس و وینتر، ۲۰۰۷: ۳۷)<sup>۴۲</sup>؛ چنان‌که تصمیم به تقویت استحکامات شهرهای مرزی از جمله شهر تئودوسیوپولیس گرفت. «پروکوپیوس» در این رابطه می‌نویسد: «بنابراین آناستاسیوس پس از بستن پیمان صلح با قباد، در نزدیکی دارا شروع به ساختمان شهر مهم و مستحکمی کرد که به نام خود او نامیده شد. ایرانی‌ها پس از فارغ شدن از حملات هیاطله، سفیری نزد ژمیان فرستاد و به آن‌ها اعتراض کرد که چرا مخالف مقررات پیمان صلح با ایران و ژم رفتار نموده و اقدام به ساختمان شهری در مجاورت سرحد ایران کرده‌اند. آناستاسیوس با وعده و وعید و با پرداختن مبلغ هنگفتی پول، توانست قباد را راضی کند و ساکت نگه‌دارد؛ اما دیری نگذشت که امپراتور شروع به ساختن شهر دیگری نظیر همین شهر در خاک ارمنستان در مجاورت سرحد ارمنستان ایران نمود. در این محل از دیرباز قصبه‌ای وجود داشت که تئودوسیوس امپراتور ژم آن را توسعه داده و به شکل شهری درآورده و آن‌را به اسم خود موسوم کرده بود؛ اما آناستاسیوس برج و بارو و حصار بسیار محکمی بر گرد آن ساخت و از این‌رو باعث نگرانی و خشم ایرانی‌ها گردید؛ زیرا ساختمان این هر دو شهر به منزله‌ی تهدیدی به کشور آنان بود» (پروکوپیوس، کتاب اول، ۱۰، ۲۵-۱۸)<sup>۴۳</sup>.

شهر تئودوسیوپولیس به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی که داشت، از لحاظ نظامی به اندازه‌ای برای بیزانس اهمیت داشت که در دوره‌های مختلف استحکامات آن بازسازی و تقویت شد؛ چنان‌که ذکر شد، طبق گفته‌ی پروکوپیوس، امپراتور آناستازیوس درصدد تقویت استحکامات آن برآمد؛ در این راستا، وی درصدد تغییر نام این شهر به آناستازیوپولیس نیز برآمد که در این راه موفقیتی چندانی به دست نیاورد و کماکان همان نام قبلی بر این شهر، اطلاق می‌شده است. تقویت چندباره استحکامات شهر تئودوسیوپولیس را در دوره‌ی امپراتور ژوستینیان نیز شاهد هستیم که باز اهمیت نظامی این شهر را نمایان می‌کند. در واقع بایستی گفت که با پیوستن استان‌های ارمنستان به امپراتوری بیزانس (پس از تقسیم ارمنستان)، مرکز نیروهای نظامی بیزانسی‌ها به شهر مرزی تئودوسیوپولیس انتقال یافت (آدونتس، ۱۹۷۰: ۱۱۲)<sup>۴۴</sup>.

وقتی که ارمنستان در سال ۳۸۷ م. از لحاظ سیاسی به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد، همین عامل با توجه به تفاوت میان حکومت بیزانس و ایران، منجر به شکاف فرهنگی در زندگی مردم ارمنی شد؛ بنابراین ژوستینیان دست به اصلاحات مهم نظامی و غیرنظامی در ارمنستان دست‌زد، با این هدف که برخی از آداب و رسوم محلی باقی‌مانده را از بین برده و این بخش را تبدیل به استانی از امپراتوری انجام کند (واسیلیف، ۱۹۸۰: ۲۵۶)<sup>۴۵</sup>.

مناطق مرزی از جمله تئودوسیوپولیس که در درجه‌ی اول برای اهداف استراتژیک انتخاب شده بودند، باعث شده بود که امپراتوران بیزانسی آن‌ها را با استحکامات جدید تقویت کنند؛ چنان‌که معاصرین فعالیت‌های ساختمانی ژوستینیان را یکی از جنبه‌های شگفت‌انگیز آن دوره ذکر کرده و آن‌را قابل‌تحسین دانسته‌اند. گستره‌ی امپراتوری و به‌خصوص مرزهای آن در این دوره با شبکه‌ی بی‌وقفه از استحکامات پوشش داده شده بود.

به طور کلی، موقعیت استحکامات و پادگان‌هایی که توسط امپراتور برای دفاع از کشور در نظر گرفته می‌شدند به سیستم دفاعی نزدیک بود؛ چنان‌که می‌دانیم استراتژی اولیه‌ی امپراتوری در ارمنستان رُمی تصرف نقاط مهم جاده‌های اصلی بود. این سیستم دیگر در دوره‌ی ژوستینی نین امنیت کافی را برای امپراتوری به وجود نمی‌آورد. امپراتوری در این زمان پخش و گسترش یافته بود؛ در چنین شرایط آشفته‌ای، نیروهای زیادی برای تضمین دفاع از کشور لازم بود، ژوستین برای جبران کمبود نیروهای مسلح مجبور شد مواضع دفاعی و استحکامات امن را افزایش دهد، که می‌توانست هم مشکل دفاع از امپراتوری و هم چنین حمله را حل کند. این سیاست در مرزهای شرقی امپراتوری، یعنی در ارمنستان دنبال شد و نیاز اصلی در این منطقه تقویت خط مرزی بود. برای این منظور، مجموعه‌ای از قلعه‌ها، زنجیره‌وار در امتداد مرزها از جمله در تئودوسیوپولیس کشیده شد (آدونتس، ۱۹۷۰: ۱۱۲-۱۱۳)<sup>۴۶</sup>؛ بنابراین از عوامل مهم ایجاد تئودوسیوپولیس<sup>۴۷</sup> و دیگر قلعه‌های کوچک در منطقه‌ی شرق امپراتوری بیزانس در آن دوره این بود که از قلمرو امپراتوری محافظت به عمل آورند. بیزانسی‌ها به دلیل موقعیت ژئوپولیتیکی و کاربرد و نقش نظامی شهر تئودوسیوپولیس، حاضر نبودند نسبت به کوچک‌ترین نافرمانی منصوبانی که بر این شهر مهم می‌گماردند، چشم‌پوشی کنند؛ کما این‌که گفته‌های اطرافیان امپراتور درباره‌ی شخص موردنظر صحیح نباشد.

چنان‌که پروکوپیوس در این رابطه می‌آورد: «سیمون که دژ فرانگیوم را به رُمی‌ها واگذار کرده بود، هنگام جنگ ایران و رُم ژوستینی نین را وادار ساخت که برخی از شهرهای ارمنستان را به وی واگذار نماید و چون شهرهای مزبور به تصرف او درآمد، صاحبان نخستین آن‌ها بر ضد وی توطئه چیدند و او را به هلاکت رسانیدند. قاتلین او که دو برادر بودند و پدرشان «فیروز» نام داشت، پس از کشتن سیمون از ارمنستان گریختند و به خاک ایران پناهنده شدند. امپراتور چون از واقعه آگاه گردید، شهرهای مذکور را به برادرزاده‌ی سیمون موسوم به «آمازاسپس» بخشید و او را حکمران ارمنستان ساخت؛ اما دیری نگذشت که یکی از دوستان آمازاسپس موسوم به «آکاسیوس» وی را نزد ژوستینی نین متهم ساخت و گفت این شخص گذشته از این‌که نسبت به ارمنه ستم بسیار می‌کند، قصد دارد تئودوسیوپولیس و برخی شهرهای دیگر را هم به تصرف ایرانی‌ها دهد. امپراتور اتهامات آکاسیوس را باور داشت و او را مأمور کشتن آمازاسپس ساخت و بعد هم خود او را به حکمرانی ارمنه منصوب ساخت» (پروکوپیوس، کتاب دوم، ۳، ۶-۱۴)<sup>۴۸</sup>.

در دوره‌ی خسرو انوشیروان در درگیری‌هایی که میان ایران و بیزانس رخ داد، شهر تئودوسیوپولیس یکی از کانون‌های اصلی مبارزات بود؛ چنان‌که در یکی از این درگیری‌ها بیزانسی‌ها شکست خورده و تئودوسیوپولیس به صورت موقت تحت تصرف ایرانیان قرار گرفت. بدین صورت که در سال ۵۷۵ م. درگیری در جبهه‌ی شرقی به وجود آمده بود، اما در سال ۵۷۶ م. بود که خسرو در کنار بحث صلح دائم به ارمنستان لشکر کشید؛ ساسانیان با یک سپاه بزرگ که از فیل نیز بهره می‌بردند، مجدداً حاکمیت ایران را در بخش ارمنستان ایرانی<sup>۴۹</sup> برقرار کرده و

پس از آن موفق به گرفتن تئودوسیوپولیس (در بخش ارمنستان بیزانسی) شدند. پس از آن، جنگ‌هایی میان آن‌ها درگرفت که هر دو طرف متحمل شکست‌هایی شدند؛ سرانجام برای صلح به مذاکره نشستند (ویتبای، ۲۰۰۷: ۹۵)<sup>۵۰</sup>. در این رابطه پروکوپیوس می‌نویسد:

«پس از این‌که خسرو از خاک آشور بازگشت و به آذربایجان در سمت شمال رفت و قصد داشت که از راه ارمنستان به خاک رُم حمله نماید. والریانوس، سردار رُمی پس از این‌که از طغیان برادر خسرو و گرفتاری سپاه ایران به وسیله‌ی طاعون آگاهی یافت از صلح صرف‌نظر کرد؛ بنابراین وی با سپاهیان خویش در مجاورت شهر تئودوسیوپولیس اردو زدند. این لشکرکشی به شکست بیزانس‌ها منجر شد» (پروکوپیوس، کتاب دوم، ۲۴. ۱۵-۲۱)<sup>۵۱</sup>.

پس از پناهنده شدن خسرو پرویز به بیزانس و حمایت موریس از وی در بازپس گرفتن تخت سلطنت، روابط میان ایران و بیزانس مصالحه‌آمیز بود؛ البته خسرو در قبال کمک بیزانسی‌ها وعده‌ی واگذاری دارا، مارتیروپولیس، بخشی از ارمنستان و چشم‌پوشی از باج‌های سالانه را به موریس پیشنهاد کرده بود (تئوفیلاکت سیموکاتا، ۱۳. ۲۴)<sup>۵۲</sup>.

پس از قتل موریس توسط فوکاس، خسرو پرویز فرصت را برای بازپس گرفتن مناطقی که در ازای حمایت بیزانسی‌ها به آن‌ها واگذار کرده بود، را مهیا دید؛ در این رابطه «شیپمان» می‌آورد که: هیچ روشن نیست که آیا جنگ بهانه‌ای بود برای پس گرفتن ارمنستان که خسرو آن‌را به بیزانس داده بود و یا این‌که خسرو می‌خواست انتقام مرگ کسی را که به او کمک کرده بود، بگیرد (شیپمان، ۱۳۸۴: ۷۱). چنان‌که سپاه اعزامی خسرو در سال ۶۱۱/۶۱۰ م. توانست در ارمنستان به پیشرفت‌هایی نائل شده و بر تئودوسیوپولیس نیز دست پیدا کنند که به غارت این شهر انجامید (گارسویان، ۱۹۹۷: ۱۱۴)<sup>۵۳</sup>. اما سرانجام بر اثر اتحاد نیروهای بیزانسی (امپراتور با کلیسا)، آن‌ها توانستند سرزمین‌های متصرفی توسط ایرانیان از جمله تئودوسیوپولیس را بازپس گیرند.

### نتیجه‌گیری

ساسانیان از همان ابتدای روی کار آمدن در قرن سوم میلادی، سیاست خارجی فعالی را در پیش گرفتند. با بررسی رویارویی‌های ایران و بیزانس می‌توان به این نتیجه رسید که ساسانیان از همان ابتدا، تمایلی به حضور بیزانسی‌ها در شرق فرات نداشتند. بیزانسی‌ها که در برابر سیاست تهاجمی ساسانیان از خود اقتداری نشان نداده بودند، دست به تغییر استراتژی زدند. وجود موانع و قلاع نظامی دیگر نمی‌توانست در برابر حرکت سریع سپاه ایران وقفه‌ای ایجاد کند؛ به علاوه، نبود محلی نزدیک به مرزهای ایران برای بازسازی سپاه و استقرار نیروهای بیزانسی و هم‌چنین به علت دوری مسافت از لحاظ زمانی و مکانی، نیروهای کمکی بیزانس از کنستانتین پل و انطاکیه راه می‌افتادند، بیزانسی‌ها نمی‌توانستند به موقع بر سر بزن‌گاه جنگ برسند؛ بنابراین امپراتوران بیزانس به این نتیجه رسیدند که با

ایجاد استحکامات و حصارهای محکم در مناطق مرزی که از لحاظ ژئوپلیتیک اهمیت ویژه‌ای داشتند و نیز با استقرار نیروهای کافی در آنجا بتوانند تا حدودی از پیشرفت سریع سپاه ایران در خاک بیزانس جلوگیری کرده و حتی بتوانند از آن شهرها سرزمین‌های ساسانیان را مورد تهاجم قرار دهند.

در ادامه‌ی این سیاست بود که بیزانسی‌ها پس از تقسیم ارمنستان در سال ۳۸۷ م. میان خود و ایران، برای پیش‌برد مرزهایشان به ساخت شهرهای مستحکم در مرز یا نزدیکی آن پرداختند. شهر تئودوسیوپولیس (کارین و در حال حاضر ارزروم) نمونه‌ای از این شهرها می‌باشد؛ چراکه در نزدیکی مرزهای ایران واقع شده بود. این شهر در زمان تئودوسیوس اول، در قسمت ارمنستان رومی (ارمنستان غربی) در دامنه‌ی کوهی در منطقه‌ی کارین و نزدیک سرچشمه‌های رود فرات (شرق ترکیه) ساخته شد. مهم‌ترین کارکرد شهر تئودوسیوپولیس کارکرد سیاسی-نظامی این شهر برای امپراتوری بیزانس بود؛ زیرا در اواخر باستان، شهرهای مرزی مانند تئودوسیوپولیس بار اصلی دفاع از امپراتوری را بر دوش می‌کشیدند. به همین دلیل پس از تأسیس آن، استحکامات تئودوسیوپولیس توسط امپراتوران بعدی تقویت گردید. در این رابطه می‌توان به آناستازیوس اشاره کرد که پس از ترمیم و تقویت استحکامات آن، تلاش ناموفقی نیز در تغییر نام تئودوسیوپولیس به نام خودش داشت. پس از آن، امپراتور ژوستینیان در قرن ششم بر استحکامات این شهر افزود، تئودوسیوپولیس برای قرن‌ها لنگرگاه شمالی برای دفاع از امپراتوری در شرق و مکان مقام ارشد نظامی بیزانس در ارمنستان بود، که حاکمیت وی اراضی پونیک هم‌مرز با دریای سیاه تا ساتراپ‌های نیمه‌مستقل که در امتداد فرات یا رودخانه‌ی آرسینیا<sup>۴</sup> را دربر می‌گرفت. به هر حال، با توجه به اقدامات امپراتوران بیزانسی در این شهر، بایستی به اهمیت تئودوسیوپولیس برای دفاع امپراتوری در شرق پی‌برد.

ساسانیان نیز با تصرف این شهر می‌توانستند از سویی راحت‌تر سرزمین‌های شرقی امپراتوری بیزانس را مورد حمله‌ی خود قرار دهند؛ علاوه‌بر آن، تصرف یا اخلال گاه‌به‌گاه این شهر توسط ایرانیان، باعث می‌شد که بیزانسی‌ها نتوانند نیروهای خود را علیه سرزمین‌های ایران سازماندهی کنند و بیشتر به فکر بازسازی این قلعه-شهر که حکم سپر را برای امپراتوری بیزانس داشت، باشند. از دست دادن چنین شهرهایی به عنوان تغییری عمده در توازن قدرت در ارمنستان، آسیای صغیر، بین‌النهرین و سوریه محسوب می‌شد؛ چراکه تصرف این شهر به منزله‌ی تسلط و در اختیار داشتن مناطق قفقاز، آسیای صغیر، بین‌النهرین و سوریه به‌شمار می‌رفت؛ بنابراین، از سویی بیزانس حاضر به از دست دادن این شهر نبود و از دیگر سو ساسانیان نیز حاضر نبودند که بیزانسی‌ها دست به ایجاد استحکامات در این شهر بزنند و از آنجا بتوانند سرزمین‌های غربی ایران را مورد حمله قرار دهند. به همین دلیل درگیری‌های ممتدی میان آن‌ها به وجود آمد که به مرور تحلیل قدرت دو امپراتوری را به دنبال داشت. موقعیت استراتژیک و مهم تئودوسیوپولیس پس از تصرف آن، توسط اعراب در قرن هفتم میلادی حفظ شد؛ چنان‌که این شهر برای فاتحان به عنوان پایگاهی در برابر اربابان سابق بیزانسی آن تبدیل شده است.

## پی‌نوشت

1. Byzantium.
2. Geopolitics.
3. Klaus Dodds.
۴. پیگولوسکایا، ن، ۱۳۶۷، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان. ترجمه‌ی عنایت‌الله رضا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
5. Dignas, B. & Winter, E., 2007, *Rome and Persia in Late Antiquity: Neighbours and Rivals*. Cambridge and New York, Cambridge University Press.
6. Dodgeon, Michael H. & Lieu, Samuel N. C., 2005, *The roman eastern frontier and the Persian wars (AD226-363)*, Part I, Routledge, London and New York.
- Greatrex, G. & Lieu, S. N.C., 2005, *The Roman Eastern Frontier and the Persian Wars (part II AD 363-630 AD)*, London and New York, Routledge.
7. Kale Arkhe.
8. (Hewsen, 2003: 42).
9. (Buzandac'i's, Fifth Book, 44).
10. Anatolus.
11. Augustus.
12. Theodosius.
13. Augusteum.
14. (Garsoïan, 2003: 64).
15. (Amm, XXX. 2.1-3).
۱۶. (Dignas & Winter, 2007: 185). تاریخ دقیق این قرارداد مشخص نیست، تورج دریایی در کتاب خود می‌آورد: در زمان پادشاهی بهرام چهارم «۳۹۹-۳۸۸ م.» ارمنستان استقلال خود را به کلی از دست داد (دریایی، ۱۳۸۲: ۳۶) و در جای دیگر نیز تقسیم ارمنستان را به عنوان رویداد مهم پادشاهی این پادشاه ذکر می‌کند (Daryaee, 1998: 439). دریایی، ۱۳۸۲: ۹۱). برخی مورخین دیگر نیز سال ۳۸۴ و ۳۹۰/۳۸۹ م. را ذکر کرده‌اند؛ اما اجماع عمومی مورخان بر سال ۳۸۷ م. است؛ برای آگاهی بیشتر در این باره ر. ک. به: (Greatrex & Lieu, 2005: 28; Blockley, 1987: 222-234; Chauumont, 1987: 426).
17. (Baynes, 1910, 625-641; Bournoutian, 1995: 67).
18. Toumanoff.
19. (Toumanoff, 1961: 5).
20. (Grosby, 1997: 18-24; Toumanoff, 1961: 5).
21. (Blockley, 1987: 229-230; Baynes, 1910: 642-643; Toumanoff, 1971: 116; Henzel, 2008: 76).
22. (Procopius, Book I, X. 18-25).
23. Anatolius.
۲۴. در این رابطه «هیوزن» می‌نویسد: شهر تنودوسیوپولیس که به افتخار امپراتور تنودوسیوس دوم (۴۵۰-۴۰۸ م.)، کسی که در ارتباط با درگیری‌های ایران و بیزانس در سال‌های ۴۲۱-۴۲۲ یا ۴۴۱ م. به فکر تأسیس استحکامات نظامی افتاد، ساخته شد (Hewsen, 2003, 42).
25. (Garsoïan, 2003: 74).
26. (Garsoïan, 2003: 68).
27. Kalihad.
28. Kalikala.
29. Erzen.
30. Siirt.
31. ErzenRum.
32. (Okuyucu & Aydin, 2010: 30).
33. Eunomius.
34. (Rawlinson, 1885: 396).
35. Anastasius.
36. Theodosiopolis.
37. Martyropolis.
38. Amida.
39. (Lee, 2007: 58).
40. (Joshua the Stylite, 1882: XLVIII).
41. (Rubin, 2007: 642-643).
42. (Dignas & Winter, 2007: 37).
43. (Procopius, Book I, X. 18-25).
44. (Adontz, 1970: 112).
45. (Vasiliev, 1980: 256).
46. (Adontz, 1970: 112-113).
47. Theodosiopolis.
48. (Procopius, Book II, III. 6-14).
49. Persarmenia.



50. (whitby, 2007: 95).  
 51. (Procopius, Book II, XXIV. 15-21).  
 52. (Theophylact Simocatta.iv.13.24).  
 53. (Garso'ian, 1997: 114).  
 54. (Arsanias Murat: مورات ترکی: مورات).

## کتابنامه

- بوزند، پاستوس (فوستوس)، ۱۳۸۳، تاریخ ارمنیان. ترجمه‌ی گارون سارکسیان، تهران: نائیری.
- بیوار، آدریان دیوید هیو، ۱۳۸۳، «تاریخ سیاسی اشکانیان در دوره اشکانیان»، تاریخ ایران. گردآورنده: احسان یارشاطر، ترجمه‌ی حسن انوشه، جلد سوم، قسمت اول، تهران: امیرکبیر.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
- دریایی، تورج، ۱۳۸۲، «ایران ساسانی»، تاریخ و فرهنگ ساسانی. ترجمه‌ی مهرداد قدرت‌دیزجی، تهران: ققنوس.
- دریایی، تورج، ۱۳۸۳، شاهنشاهی ساسانی. ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- ژاسمن، الجیبگیان، ۱۳۸۲، ارمنستان و سلوکیان. ترجمه‌ی گارون سارکسیان، تهران: نائیری.
- شیپمان، کلاوس، ۱۳۸۴، مبانی تاریخ ساسانیان. ترجمه‌ی کی‌کائوس جهاننداری، چاپ اول، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- عزتی، عزت‌الله، ۱۳۸۰، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم. تهران: سمت.
- علی‌بابائی، غلامرضا، ۱۳۶۹، فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌المللی. تهران: سفیر.
- فرای، ریچارد، ۱۳۸۳، «تاریخ سیاسی ساسانیان»، تاریخ ایران ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی. جلد سوم، قسمت اول، گردآورنده: احسان یارشاطر، ترجمه‌ی حسن انوشه، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر، صص: ۲۱۷-۲۷۶.
- کریستن‌سن، آرتور، ۱۳۷۵، ایران در زمان ساسانیان. ترجمه‌ی رشید یاسمی، چاپ نهم، تهران: دنیای کتاب.
- لورو، پاسکال؛ و توال، فرانسوا، ۱۳۸۱، کلیدهای ژئوپلیتیک. ترجمه‌ی حسن صدوق، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مشکور، محمدجواد؛ و رجب‌نیا، مسعود، ۱۳۶۷، تاریخ سیاسی و اجتماعی اشکانیان «پارتیان یا پهلویان قدیم». تهران: دنیای کتاب.
- موسی‌خورنی، ۱۳۸۰. تاریخ ارمنیان. ترجمه و حواشی: ادیک باغداساریان (ا). گرمانیک)، تهران: بی‌نا.

- Adontz, N., 1970, *Armenia in the Period of Justinian: The Political Conditions Based on the Naxarar System*. Trans. Nina G. Garso'ian. Lisbon: Calouste Gulbenkian Foundation.

- Ammianus Marcellinus, 1986, *Ammianus Marcellinus*. Vol III (XXVII-XXXI), With an English translation by John C. Rolfe (The Loeb Classical Library), London: Harvard University Press.
- Baynes, N. H., 1910, "Rome and Armenia in the Fourth Century". *The English Historical Review*, Vol. 25, No. 100, (pp. 625-643).
- Baynes, N. H. 1910, "Rome and Armenia in the Fourth Century", *The English Historical Review*, Vol. 25, No. 100, pp. 625-643).
- Blockley, R. C., 1987, "The Division of Armenia between the Romans and the Persians at the End of the Fourth Century A.D.". *Historia: Zeitschrift für Alte Geschichte*, Bd. 36, H. 2, pp. 222-234.
- Blockley, R. C., 1987, "The Division of Armenia between the Romans and the Persians at the End of the Fourth Century A.D.". *Historia: Zeitschrift für Alte Geschichte*, Bd. 36, H. 2, pp. 222-234.
- Bournoution, G. A., 1995, *A History of the Armenian people*. Volume I (Pre-History to 1500 A.D), Costa Mesa, California: mazda publishers.
- Cassius Dio, 1927, *Roman History*. Vol. IX (Books 71-80), Loeb Classical Library (No.177), London and New York.
- Chaumont, M. L., 1987, "Armenia and Iran ii. The pre-Islamic period". Ehsan yarshater (Ed), In: *Encyclopaedia Iranica*, Vol 3, london and Henley: Routledge & Kegan paul, pp. 418-438.
- Daryae, T., 1998, "Sasanian Persia (ca. 224-651 C.E.)". *Iranian Studies*, Vol. 31, No. 3/4, pp. 431-461.
- Dignas, B. & Winter, E., 2007, *Rome and Persia in Late Antiquity: Neighbours and Rivals*. Cambridge and New York, Cambridge University Press.
- Dodds, K. & Atkinson, D., 2000, *Geopolitical Traditions*. London and New York, Routledge.
- Garsoïan, Nina G., 1997, "The Arsakuni Dynasty". In: *The Armenian People from Ancient to Modern Times*, Volume I: The Dynastic Periods: From Antiquity to the Fourteenth Century, 63-115, edited by Richard Hovannisian, New York: St. Martin's.
- Garsoïan, Nina G., 2003, "The Foundation of Theodosiopolis-Karin". In: *Armenian Karin/Erzerum. UCLA Armenian History and Culture Series: Historic Armenian Cities and Provinces*, 4. Ed. Richard G. Hovannisian. Costa Mesa, CA, Mazda Publishers, pp. 63-72.
- Greatrex, G. & Lieu. S. N. C., 2005, *The Roman Eastern Frontier and the Persian Wars (part II AD 363-630 AD)*, London and New York, Routledge.
- Grosby, S., 1997, "Borders, Territory and Nationality in the Ancient

Near East and Armenia Aut horfs". *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, Vol. 40, No.1, pp. 1- 29.

- Henzel, Judy. H., 2008. *A Comparison and Contrast of the History of Christianity as it Developed in Cappadocia and Armania During the First Five Centuries AD*. A Thesis Presented to the Graduate School of Clemson University.

- Herodian, 1970, *History of the Empire*. Vol.II (Books 5-8), Loeb Classical Library (No.455): London and New York.

- Hewsen, R. H., 2003, "Summit of the Earth: The Historical Geography of Bardzr Hayk". In: *Armenian Karin/Erzerum. UCLA Armenian History and Culture Series: Historic Armenian Cities and Provinces*, 4. Ed. Richard G. Hovannisian. Costa Mesa, CA, Mazda Publishers, pp. 34-65.

- Joshua the Stylite, *Chronicle composed in Syriac in AD 507*, 1882, pp. 1-76: [http://www.tertullian.org/fathers/joshua\\_the\\_stylite\\_02\\_trans.htm](http://www.tertullian.org/fathers/joshua_the_stylite_02_trans.htm).

- Lee, A. D, 2007, "The eastern empire: Theodosius to Anastasius". In: *The Cambridge Ancient History Volume XIV: Late Antiquity: Empire and Successors, AD 425-600*, Cambridge University Press, pp. 33-63.

- Okuyucu, D. & Aydin, A. C., 2010, "An Evaluation On Erzurum Double Minaret Madrasah By Structural Engineering Perspective". *KSU Journal of Engineering Sciences*, 13(1), Pp. 28-44.

- P'awstos Buzandac'i's, 1985, *History of the Armenians*. Translated by: Robert Bedrosian (New York, 1985). DS181. P3813 1985. [Fifth Century History.] Online HTML version at: P'awstos Buzandac'i's History of the Armenians. See <http://rbedrosian.com/hsrces.html>.

- Procopius, 2005, *History of the Wars: The Persian War*. Books I and II (of 8), Trans, H. B. Dewing, E-text prepared by Jonathan Ingram, jayam, and the Project Gutenberg Online Distributed Proofreading Team (<http://www.pgdp.net/>).

- Rawlinson, G., 1885, *The seven great monarchies of the ancient eastern world*. Vol 3, New York, Philadelphia [etc], The Nottingham Society.

- Rubin, Z., 2007, "The Sassanid Monarchy". In: *Late Antiquity: Empire and Successors, A.D. 425-600*, Vol. XIV, Cambridge Ancient History, 638-661, ed. Averil Cameron, Bryan Ward-Perkins and Michael Whitby. Cambridge University press.

- Theophylact, S., 1986, *The History of Theophylact Simocatta, an English translation with introduction and notes*. Trans by: Michael Whitby and Mary Whitby, Oxford, Clarendon Press.

- Toumanoff, C., 1961, "Introduction To Christian Caucasian History: II : States and Dynasties of the Formative Period". *Traditio*, Vol. 17, pp. 1-106.

- Toumanoff, C., 1971, "Caucasia and Byzantium". *Traditio*, Vol. 27, pp. 111-158.

- Vasiliev, A. A., 1980, *History of the Byzantine Empire*. Vol I, University of Wisconsin Press.

- whitby, M., 2007, "The successors of Justinian". In: *Late Antiquity: Empire and Successors*, A.D. 425-600. Vol. XIV, Cambridge Ancient History, ed. Averil Cameron, Bryan Ward-Perkins and Michael Whitby. Cambridge University press, pp.86-112.